

تأثیر انقلاب اسلامی بر دیپلماسی اقتصادی ایران در قبال اتحادیه اوراسیا

شیرین مسعودی^۱، کیهان برزگر^۲، داود کیانی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۲

چکیده: ساختار نظام بین الملل، در دوران معاصر، علیرغم پیشرفتهای همه جانبه مادی، با چالشهای مختلف از جمله انقلابهای مختلف، جنگها، بحرانهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اخلاقی، خشونت و بی عدالتی همراه بوده است. انقلاب اسلامی در چهل و شش سال گذشته با طرح اهداف خود که در راس آن استقلال آزادی، و تشکیل سیستمی بر اساس اهداف و دستورات الهی بوده در برابر تحمیلات نظام سلطه و نفی حاکمیت آن ایستاده و با تدوین اهداف خود در قانون اساسی به دنبال تحقق آن بر آمده همچنین برای رهایی از نظام سلطه و رسیدن به اهداف خود به تلاش پرداخته و تأثیرات بزرگی در طول این دوران بر دیپلماسی اقتصادی ایران گذاشته است. در صحنه عمل نیز موجب تغییراتی در عرصه بین المللی شده و باعث تقویت و ظهور بازیگران جدید در میان کشورها جنبشها و ملتها گردیده است. امروزه با اهمیت فزاینده مولفه‌ها و سازه‌های اقتصادی در تقویت وزن کشورها، دیپلماسی اقتصادی به یکی از مهمترین برنامه‌های خارجی اغلب کشورها تبدیل شده است. پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی به دلیل آنکه ایران از موقعیت ممتاز ژئوپولیتیکی، پشتوانه تاریخی، غنای منابع طبیعی و سرمایه‌های ارزشمند انسانی بویژه جوانان نخبه و تحصیل کرده و دیگر ظرفیت‌های بی شمار پیدا و پنهان بالفعل و بالقوه، از توانمندی‌های مهمی در منطقه برخوردار است، موضوع دیپلماسی اقتصادی و استفاده از ظرفیت‌ها و ابزارهای سیاست خارجی برای پیشبرد اهداف توسعه ملی مورد توجه قرار گرفت؛ و توجه به دیپلماسی اقتصادی در برنامه‌های توسعه و اسناد کلان راهبردی کشور، انعکاس

^۱ دانشجوی دکتری روابط بین الملل، گروه روابط بین الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. sh.masoudi30@gmail.com

^۲ دانشیار، گروه روابط بین الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. kbarzegar@hotmail.com

^۳ استاد، گروه روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. dv.kiani@gmail.com

یافت اگرچه تحریم‌های وضع شده علیه ایران، امکان مرآوده در حوزه‌های بانکی، تجاری، حمل و نقل، بیمه و صنعت را با چالش‌های عدیده‌ای مواجه کرده است و حتی سطح تبادلات اقتصادی ایران با همسایگانش را نیز متأثر ساخته است. با این وجود، در دیپلماسی اقتصادی جدید بعد از پیروزی انقلاب، رویکرد شرق‌گرایی نقش کلیدی ایفا می‌کند. در این مقاله با استفاده از روش کیفی و درچارچوب نظریه منطقه‌گرایی نوین، داده‌ها را گردآوری و از روش تحلیل مضمون استفاده کرده ایم. این نوشتار با هدف شناسایی رویکرد دیپلماسی اقتصادی بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی با تأکید بر روابط ایران با اتحادیه اوراسیا شکل گرفته، در این پژوهش به دنبال پاسخ این پرسش هستیم که آیا رهیافت دیپلماسی اقتصادی بعد از انقلاب اسلامی و سپس عضویت ایران در اتحادیه اوراسیا توانسته درتأمین منافع ملی، ارتقاء جایگاه اقتصادی و بهبود وضعیت اقتصادی موثر باشد، در پاسخ، این فرضیه را مطرح می‌کنیم که در دیپلماسی اقتصادی جدید، رویکرد شرق-گرایی نقش کلیدی ایفا می‌کند از جمله مصادیق این رویکرد، کوشش ایران برای پیوستن به اتحادیه‌های مختلف از جمله اتحادیه اقتصادی اوراسیا است. در یک نگرش کلان، اتحادیه اوراسیا به عنوان قطب همگرایی منطقه‌ای در شمال و مرکز آسیا می‌تواند نقش به‌سزایی در ایجاد فضای تنفسی در حوزه تجاری برای ایران ایجاد نماید نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و در شرایط کنونی دیپلماسی اقتصادی موثرترین رهیافت برای ارتقاء جایگاه اقتصاد جهانی می‌باشد و همچنین قراردادهای کاهش تعرفه و بهره‌مندی از امتیازات ورود به بازار تجارت آزاد ایران، با اتحادیه اقتصادی اوراسیا می‌تواند در کنار تقویت پیوندهای اقتصادی بلندمدت، بستر مناسبی را برای کاهش نسبی اثرات تحریم‌های آمریکا و تعمیق همگرایی اقتصادی، مناسبات خود را با اتحادیه‌ی مزبورتحکیم بخشیده و ایران اینگونه به اقتصاد خود سرو سامان دهد.

واژگان اصلی: انقلاب اسلامی، ایران، اوراسیا، دیپلماسی اقتصادی، منطقه‌گرایی.

۱. مقدمه

وقوع انقلاب اسلامی در ایران با توجه به شعارها و نظام های ارزشی ای که معرفی نمود، این کشور را در تقابل فزاینده ای با سیاست های قدرت های بزرگ در عرصه های جهانی و بین المللی قرار داد. از این رو این کشورها به سردمداری ایالات متحده آمریکا در طی سال های پسا حکومت پهلوی تلاش نموده اند تا به انحای مختلف از گسترش و نفوذ ایران بکاهند و با اعمال فشارهای اقتصادی در راس سیاست های آن ها برای کنترل جمهوری اسلامی روز به روز بر شدت این فشارها افزوده گردیده است.

نوع جبهه بندی ایران در ساختار و نظم بین الملل بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، باعث تقابل حداکثری کشور با کشورهای غربی و به ویژه آمریکا شده است. از جمله پیامدهای این تقابل، اعمال تحریم های فزاینده علیه ایران و فرارگیری کشور در فهرست سیاه FATF است که مخاطرات فراوانی را برای تعامل اقتصادی با جهان به وجود آورده است. (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۲۲۰)

از این رو جمهوری اسلامی ایران برای برون رفت از وضعیت نابهنجار تحمیلی یاد شده، استراتژی های متعددی را مد نظر قرار داده است که یکی از موثرترین آن ها توجه به کشورهای همسایه ها و منطقه در راستای کاهش اثرات مخرب این تحریم ها بر اقتصاد کشور بوده است. در این چارچوب و به عنوان یکی از شیوه های مهم مدیریت آثار تحریمی، پیوستن به اتحادیه های اقتصادی با کشورهای همسایه و غیرمتخاصم مد نظر قرار گرفت تا از طریق آن بتوان علاوه بر غلبه بر آثار مخرب تحریم ها، بهره وری اقتصادی کشور را افزایش داد. در حقیقت وقوع انقلاب اسلامی باعث گردید تا در کنار تغییرات وسیع اساسی صورت گرفته و نیز با توجه به شرایط ویژه ای که بر آن تحمیل شده بود، در زمینهدیپلماسی اقتصادی نیز دچار دگرگونی عمده ای شود و روابط با کشورهای همسایه و شرکت در ترتیبات منطقه ای به خصوص در قالب اتحادیه های اقتصادی و در زمینه های تجاری و بازرگانی و حمل و نقل را برای در هم شکستن مقاصد شوم دشمنان خود به کار گیرد.

از آن جا که یکی از مهم ترین ترتیبات اقتصادی منطقه ای حال حاضر، اتحادیه اقتصادی اورآسیا می باشد همکاری با این اتحادیه به عنوان بخشی ضروری از

راهبردهای اقتصادی ایران در دیپلماسی این کشور مد نظر قرار گرفته است. چرا که از منظر مؤسسان اتحادیه اقتصادی اوراسیا، این اتحادیه با توجه به ظرفیت های اساسی خود می تواند بازار بزرگی در چارچوب قوانین سازمان تجارت جهانی ایجاد کند و تجارت میان اعضا را بهبود بخشد و تسهیلات بسیاری را در این زمینه برای کشورهای عضو به ارمغان آورد. از همین رو، اعضای آن موافقت خود را با تردد آزاد، کالا، سرمایه نیروی کار و خدمات در مرزهای اوراسیا بیان داشته اند. همچنین اعلام کرده اند که سیاست هماهنگ شده ای در زمینه انرژی صنایع حمل و نقل و بخش کشاورزی را دنبال خواهند کرد و در پی ایجاد بازارهای مشترک نفت و گاز بازار واحد عرضه دارو و نیز بازار واحد تولید و عرضه نیروی برق به منظور تعمیق همکاری اقتصادی با یکدیگر هستند.

امروزه، با عنایت به شرایط ویژه کشور و پس از اعمال سیاست فشار حداکثری و تحریم های همه جانبه و نفس گیر اقتصادی لزوم توجه بیشتر به ساز و کارهای کاهش دهنده آثار این رفتار ظالمانه از جمله مشارکت با کشورهای غیر متخاصم منطقه در چارچوب همکاریهای منطقه ای و اتحادیه های مهم اقتصادی نظیر اتحادیه اقتصادی اوراسیا که از ظرفیت های متعدد بعضا کم نظیری برخوردار است، بیشتر مورد توجه پژوهشگران و محققان و نیز سیاست گذاران و تصمیم گیرندگان عرصه های سیاسی و اقتصادی قرار گرفته است.

با توجه به اهمیت این موضوع پژوهش پیش رو به دنبال پاسخ این پرسش است که آیا پس از انقلاب اسلامی رهیافت دیپلماسی اقتصادی و سپس عضویت ایران در اتحادیه اوراسیا توانسته در تأمین منافع ملی، ارتقاء جایگاه اقتصادی و بهبود اقتصادی خود موثر باشد؟ و در پاسخ این فرضیه مطرح می گردد که در دیپلماسی اقتصادی جدید ایران، توجه به ترتیبات منطقه ای که با رویکرد شرق گرایی همراه است نقش کلیدی ایفا می کند. از جمله مصادیق این رویکرد، کوشش ایران برای پیوستن به اتحادیه اقتصادی اوراسیا است. در یک نگرش کلان، اتحادیه اوراسیا به عنوان قطب همگرایی منطقه ای در شمال و مرکز آسیا می تواند نقش به سزایی در ایجاد فضای تنفسی در حوزه تجاری برای ایران ایجاد نماید نتایج این پژوهش نشان می دهد که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و در شرایط کنونی دیپلماسی اقتصادی موثرترین رهیافت برای ارتقاء

جایگاه اقتصاد جهانی میباشد و همچنین قراردادهای کاهش تعرفه و بهره‌مندی از امتیازات ورود به بازار تجارت آزاد ایران، با اتحادیه اقتصادی اوراسیا می‌تواند در کنار تقویت پیوندهای اقتصادی بلندمدت، بستر مناسبی را برای کاهش نسبی اثرات تحریم‌های آمریکا و تعمیق همگرایی اقتصادی، مناسبات خود را با اتحادیه‌ی مزبور تحکیم بخشیده و ایران اینگونه به اقتصاد خود سرو سامان دهد. در این مقاله میکوشیم با بهره‌گیری از روش توصیفی تحلیلی متغیرهای پژوهش را بیان کنیم در این پژوهش، دیپلماسی اقتصادی بعد از انقلاب اسلامی به عنوان متغیر مستقل، و روابط ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا به عنوان متغیر وابسته لحاظ می‌شود. پژوهش حاضر، تلاش خواهد کرد تا با رویکردی علمی، با استفاده از ابزار مطالعه کتابخانه‌ای، و با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی ابعاد مختلف دیپلماسی اقتصادی ایران در اوراسیا بپردازد.

۲. پیشینه پژوهش

درارتباط با موضوع مورد پژوهش به صورت کلی و همچنین خاص مقالات و پژوهش‌های متعددی به رشته تحریر درآمده‌اند. در یک نمای کلی می‌توان به آثار زیر اشاره نمود:

«نقش اتحادیه اقتصادی اوراسیا در توسعه تجارت خارجی ایران» (طالب پور وهمکاران، ۱۴۰۱: ۷۹-۱۰۲) عنوان مقاله‌ای است که در آن نویسندگان به این موضوع پرداخته‌اند که اتحادیه اقتصادی اوراسیا سال‌ها پس از فروپاشی شوروی و تجربیات مختلف همگرایی که کشورهای پسا شوروی آن را تجربه کرده‌اند، اکنون جدیدترین و مهم‌ترین روند همگرایی در منطقه پسا شوروی است. اتحادیه اقتصادی اوراسیا در سال ۲۰۱۰ ایجاد شد و در سال ۲۰۱۵ وارد مرحله اتحادیه اقتصادی اوراسیا گردید. گسترش پدیده جهانی شدن اقتصاد سبب شد تا روابط و همکاری کشورها در جهت تحصیل منافع در قالب همکاری‌های منطقه‌ای در دستور کار بسیاری از کشورهای درحال توسعه به‌ویژه کشور ایران قرار گیرد. تعامل با اتحادیه اقتصادی اوراسیا ایران را در ایجاد زمینه‌های لازم برای تجارت ترجیحی و همگرایی اقتصادی با خود مشتاق نموده است.

در پژوهشی دیگر با عنوان «تحلیل اثرات رفاهی آزادسازی تجاری با رویکرد الگوی تعادل عمومی محاسبه‌پذیر چند منطقه‌ای: مورد مطالعه ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا» (نجاتی و دیگران، ۱۵۳: ۱۴۰۱-۱۷۹) به بررسی آثار رفاهی کاهش تعرفه‌های وارداتی بین ایران و کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا پرداخته شده و نشان می‌دهد که حذف کامل تعرفه‌های وارداتی بین کشور ایران و اعضای اتحادیه اوراسیا، اثرات رفاهی معناداری بر مناطق روسیه، ایران و قزاقستان ایجاد می‌نماید و بیشترین تأثیر مثبت بر رفاه ایران، مربوط به کاهش تعرفه‌های وارداتی روسیه از ایران و همچنین کاهش تعرفه‌های وارداتی ایران از روسیه است و بیشترین تأثیر منفی بر رفاه ایران مربوط به کاهش تعرفه‌های وارداتی ایران از قزاقستان و کاهش تعرفه‌های وارداتی ایران از بلاروس است.

«منافع اقتصادی ایران از گسترش روابط تجاری با اتحادیه اقتصادی اوراسیا» (بلاغی اینانلو و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۶-۱) اثر دیگری است که در آن نویسندگان، به شناسایی منافع اقتصادی ایران از گسترش روابط تجاری با اتحادیه اقتصادی اوراسیا پرداخته‌اند. در همین راستا، در این پژوهش آثار کاهش تعرفه‌های وارداتی ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا بر رفاه، تراز تجاری و تغییر در پرداختی بابت نیروی کار ماهر و غیر ماهر بر اساس الگوی پروژه تحلیل تجارت جهانی پویا مورد بررسی قرار گرفته است.

در پژوهشی دیگر که تحت عنوان «اتحادیه اقتصادی اوراسیایی و منطقه‌گرایی ایران» (ویسی، ۱۴۰۰: ۳۷۷-۴۰۰) منتشر گردیده، نویسنده معتقد است که جمهوری اسلامی ایران که همواره از فرایندهای منطقه‌گرایی در حوزه‌های پیرامونی و سازمان‌های منطقه‌ای شرق و غرب کنار گذاشته شده یا به آن‌ها وارد نشده است، همکاری و همگرایی با اتحادیه اقتصادی اوراسیایی را در دستور کار قرار داده است. امضای موافقت‌نامه موقت تشکیل منطقه آزاد تجاری میان جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیایی در سال ۲۰۱۸ گامی در این زمینه بوده است. نویسنده، این پرسش را مطرح کرده است که سیاست‌های منطقه‌گرایی روسیه و ایران در چارچوب همگرایی اقتصادی اوراسیایی چگونه است و چه هدف‌هایی را دنبال می‌کند. نتایج نوشتار نشان می‌دهد که برخلاف

نام اقتصادی موافقت‌نامه، هدف‌های سیاسی و ژئوپلیتیکی آن برای روسیه و ایران اهمیت و اولویت بالایی دارد.

از جمله مقالات مهم دیگری که در این زمینه به زبان انگلیسی منتشر شده و شایسته مطالعه و بررسی بوده و اطلاعات خوبی را در اختیار محققان قرار می‌دهد، مقاله ای با عنوان: «اتحادیه اقتصادی اوراسیا - مشارکت ایران بر اساس روابط دو و چندجانبه: جنبه های اقتصادی و ژئوپلیتیکی» (Mekhdiev & others, 2023:99-107) می‌باشد.

بر اساس یافته های نویسندگان پژوهش یاد شده، آینده همکاری ایران و اتحادیه اوراسیا ممکن است چهره خاورمیانه و منطقه اوراسیا را تغییر دهد و مشکلات متعددی را حل کند. روسیه به عنوان یک بازیگر کلیدی در این اتحادیه نقش مهمی در روند همکاری با ایران دارد. اهداف این مقاله به طور خلاصه عبارتند از: الف) بررسی منافع اقتصادی و سیاسی همکاری ایران و اوراسیا، ب) بررسی منافع اقتصادی و سیاسی همکاری ایران و روسیه، ج) تدوین استراتژی و شفاف‌سازی چشم‌انداز آینده توافقنامه تجاری اوراسیا. یافته‌های کلیدی مقاله شامل اثبات اثربخشی همکاری تجاری بین اوراسیا و ایران و اثربخشی توسعه تجارت خدمات بین ایران و روسیه بر اساس همکاری‌های انرژی است. راهبردی که امکان به دست آوردن منافع بیشتر برای کشورهای اوراسیا و ایران در روند همکاری تحت توافقنامه و جانشین آن را فراهم می‌کند. این تحقیق تلاش می‌کند تا پتانسیل بالای چنین قالب همکاری و آینده آن و ارزیابی پیامدها و منافع سیاسی و اجتماعی-فرهنگی همکاری برای دو طرف را آشکار سازد.

چتر جی، چارلز (۱۴۰۱:۸۳)، در کتاب «دیپلماسی اقتصادی و سیاست‌گذاری خارجی» هدف اصلی دیپلماسی اقتصادی را توسعه روابط اقتصادی در کشورهای منتخب بر مبنای دیپلماسی دوجانبه و همچنین توسعه اصول جدید در سطح بین‌المللی دانسته است که بین همه کشورها در اجرای دیپلماسی اقتصادی مشترک است. از این منظر دیپلمات‌ها باید مذاکره‌کنندگان شایسته‌ای مجهز به دانش این حوزه باشند. نویسنده ضمن بررسی جایگاه و اهمیت دیپلماسی اقتصادی در سیاست‌گذاری خارجی، درصدد موشکافی از ملاحظاتی سیاست‌گذارانه برای کشورهای درحال توسعه و حتی توسعه‌یافته است که در طراحی و اجرای دیپلماسی اقتصادی با همه ابعاد آن اعم از تجارت، سرمایه‌گذاری و

تامین مالی خارجی، مهاجرت و تعامل با رژیم‌های منطقه‌ای و بین‌المللی اقتصادی قدرت
تأثیرگذاری دارند

همانگونه که مشاهده می‌شود اکثر پژوهش‌های مهم یاد شده علیرغم اینکه در زمینه
خاص تحقیقاتی خود از ارزش والایی برخوردارند اما در زمینه موضوع مورد بررسی این
پژوهش که تحول دیپلماسی اقتصادی ایران پس از انقلاب اسلامی با تمرکز بر رویکرد
منطقه‌گرایی و بویژه در قبال اتحادیه اوراسیا را مورد کنکاش قرار می‌دهد ساکت می
باشند.

در واقع نوآوری مقاله پیش رو بررسی علل تغییر در دیپلماسی اقتصادی ایران در
توجه بیشتر آن به منطقه‌گرایی و ترتیبات اقتصادی منطقه‌ای در همکاری با اتحادیه
اقتصادی اوراسیا و آثار آن بر اقتصاد این کشور است.

۳. چارچوب نظری

علوم سیاسی و روابط بین‌الملل به عنوان یکی از مهم‌ترین رشته‌ها در علوم انسانی از
نحله‌ها و نظریه‌های متعددی شکل و قوام یافته است. نظریه‌ها در این حوزه چارچوبی را
فراهم می‌کنند که موضوعات و مسائل مختلف در قالب آنها بررسی و تبیین می‌شوند. در
عین حال بعد از دوره رقابت‌های قدرت بزرگ (ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی
سابق) یا همان جنگ سرد علاوه بر نظریه‌های کلاسیک روابط بین‌الملل همچون
واقع‌گرایی و لیبرالیسم، نقش مناطق نیز در عرصه روابط بین‌الملل و به ویژه سیاست
خارجی کشورها بیشتر پررنگ شد. این امر باعث شد تا در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰
نظریه‌های منطقه‌گرایی در جهت ادغام و همگرایی اقتصادی و سیاسی رشد و گسترش
یابند. نظریه‌های همگرایی منطقه‌ای که تماماً همان نظریه‌های روابط بین‌الملل با عطف
توجه به همگرایی کشورها است، از دهه اول قرن بیست و یکم در قالب منطق اتصال به
روزرسانی شد. تأکید بر اتصال در منطقه‌گرایی جدید (نوپن)، نارسایی‌ها و سختی‌های
همگرایی را بوسیله تبدیل برخی از کشورها به هاب منطقه‌ای از بین برده است به نظر
می‌رسد که منطقه‌گرایی در قالب تعریف سنتی آن بیشتر مترادف با ادغام اقتصادها است.
این ادغام در واقع به این معنا است که اقتصادهای دو یا چند کشور در فرایند منطقه‌ای به

یکدیگر وابسته و همگرا شوند. این در حالی است که منطقه‌گرایی نوین و یا به عبارتی مثبت بر اتصال بین کشورها و مناطق است. در این جا در واقع یک کشور سعی می‌کند با تکیه بر ویژگی‌های اقتصادی، هویتی، ترانزیتی و ژئواکونومیکی که دارد، به محور اتصال یا هاب بین چندین کشور و منطقه در پیرامون خود تبدیل شود. نظریه‌های سنتی عمدتاً متمرکز بر نظریه سنتی همگرایی در روابط بین‌الملل هستند. از این منظر، نیازمندی متقابل سیاسی - امنیتی و تکمیل اقتصادهای کشورهای یک منطقه خود منجر به مسئولیت‌پذیری آنها در حفظ ثبات سیاسی و شکل‌گیری همکاری نزدیک در یک منطقه می‌شود. این الگو برگرفته از یک بحث کلان‌تر زنجیره اتصال جهانی کالا و سیاست یا همان جهانی شدن به عنوان ملاک اصلی رشد و توسعه کشورها در عصر فعلی است که به واقع همان موتور محرکه ایدئولوژی لیبرال است. این تفکر ضرورت وابستگی متقابل جهانی در حوزه اقتصاد و سیاست را ملاک جذب سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال تکنولوژی می‌بیند (برزگر، ۱۴۰۰: ۴). در نظریه‌های سنتی، اتصال از طریق سیاسی، اجتماعی، فناوری و اقتصادی شکل می‌گیرد. این به تلاش‌های متفاوت برای همکاری و رقابت با کارایی از نظر اقتصاد جهانی کمک می‌کند. بر اساس نظریه وابستگی متقابل اقتصادی، اتصال مکانیزمی است که به وسیله آن تفاوت‌های تعرفه‌ای، محدودیت‌های کمی و ممنوعیت‌های لجستیک محصول بین کشورها حذف می‌شود. ارتباط متقابل منطقه‌ای هم مسائل اقتصادی وهم مسائل سیاسی را در بر می‌گیرد. مراحل اولیه با اقتصاد و ارتباطات مالی آغاز می‌شود و حوزه سیاسی به عنوان گام بعدی است. ارتباط اقتصادی در سطح منطقه‌ای در سطوح مختلف است. منطقه آزاد تجاری ابتدایی‌ترین شکل آن است. اما در شکل نوین منطقه‌گرایی، تکمیل یا ادغام اقتصادهای محلی صرفاً ملاک اصلی برای پیش‌برد سیاست‌گذاری خارجی نیست، بلکه هدف اصلی تقویت ترانزیتی و اتصالی یا در واقع زنجیره انتقال منطقه‌ای کالا است. در این جا با انتقال مفهومی از مفهوم ادغام اقتصادی به مفهوم نوین زنجیره اتصال منطقه‌ای کالاها مواجه هستیم. برتری ژئوپلیتیکی و مزیت‌های کشورها در نقطه تمرکز اتصال زیرسیستم‌های مختلف در مناطق اطراف دارای اهمیت است (برزگر، ۱۴۰۲: ۲)

اهمیت منطق اتصال، ماهیت رقابت ژئوپلیتیکی از جنگ بر سر قلمرو به جنگ بر سر اتصال تغییر داده است. رقابت بر سر اتصال به عنوان یک کشمکش بر سر زنجیره‌های تامین جهانی، بازارهای انرژی، تولید صنعتی، جریان‌های مالی، فناوری، دانش و استعداد است که نشانگر تغییر از جنگ بین سیستم‌ها (سرمایه‌داری در مقابل کمونیسم) به جنگ در یک سیستم زنجیره تامین جمعی است. در حالی که جنگ نظامی یک تهدید معمولی است، اتصال یک واقعیت همیشگی است که باید با برنامه‌ریزی اصلی اقتصادی، جایگزین دکترین نظامی شود. در این معنا، نقشه واقعی جهان نه تنها باید شامل کشورها، بلکه ابرشهرها، بزرگراه‌ها، راه‌آهن‌ها، خطوط لوله، کابل‌های اینترنت و دیگر نمادهای تمدن شبکه جهانی در حال ظهور باشد. در سراسر جهان، هزاران شهر جدید یا مناطق ویژه اقتصادی ساخته شده‌اند تا به اتصال بین جوامع کمک کنند (Khanna, 2016:97).

منطقه‌گرایی در مفهوم اخیر به ویژه در بین کشورهایی که به دنبال سرمایه‌گذاری روی پتانسیل‌های بالقوه و بالفعل خود برای ایجاد یک اقتصاد پایدار مبتنی بر تولید هستند، دنبال می‌شود. در این جا نقش دولت در شکل‌دهی به محیط مناسب سرمایه‌گذاری و انتقال سرمایه به ظرفیت تولید استراتژیک در مقیاس بزرگ، بارز است. تاکید بر منطق اتصال در بین نهادهای منطقه‌ای گسترش یافته است. نظر به اینکه تحقیق حاضر قصد دارد تاثیر انقلاب اسلامی بر دیپلماسی اقتصادی در تسهیل همکاریهای منطقه ای ایران با اتحادیه ی اقتصادی اوراسیا را تبیین نماید، به نظر میرسد نظریه منطقه گرایی نوین بهتر میتواند انگیزه ایران را در تعقیب منافع ملی خود در این اتحادیه و نیز رفتار همکاری جویانه کشور را در درون اتحادیه اقتصادی اوراسیا واکاوی نماید.

۳.۱. دیپلماسی اقتصادی

انگیزه اصلی کشورها در حرکت به سوی آزادسازی تجاری، دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی بالاتر در بستر اقتصاد جهانی است. امروزه جهانی شدن سبب باز شدن اقتصادهای ملی در ابعاد داخلی و خارجی شده و ضمن بین المللی نمودن بازار جهانی، محیطی کاملاً رقابتی ایجاد نموده است که در آن تنها واحدهای اقتصادی قدرتمند و

کارآمد مجال بقا خواهند داشت. کشورها تلاش میکنند که از طریق دیپلماسی اقتصادی به مزیت رقابتی در بازار جهانی دست یابند تا مسائل تجاری و اقتصادی را حل و فصل نمایند. این دیپلماسی با توجه به شرایطی که کشورها در آن قرار دارند استراتژی هایی را بنا می دهند تا با کمک آن ها بتوانند به حداکثر منافع مورد نظر دست یابند. به عنوان مثال غالباً کشورهای تحت تحریم از در چارچوب دیپلماسی اقتصادی خود در گام نخست از استراتژی های منطقه گرایانه بهره می برند تا با تعاملاتی که با همسایگان غیر متخاصم خود می نمایند بتوانند از شدت اثرات نامطلوب فشارها بکاهند. گام بعدی پس از همگرایی منطقه ای شکستن دیوار مرزها و تشکیل بلوکهای تجاری با کشورهای هدف است که زمینه ساز توسعه روابط تجاری و همگامی با فرایند جهانی شدن است و باز شدن اقتصاد کشورها نیز از مزایای آن در مراحل بعد خواهد بود. چرا که تقویت منافع ملی برای کشورهای در حال توسعه ضروری است. اقتصاد قوی به محیطی امن و با ثبات در پیرامون کشورها وابسته است و امنیت و ثبات منطقه ای نیز نیازمند وجود رشد و رفاه اقتصادی است.

به طور کلی دیپلماسی اقتصادی در بر دارنده ویژگی های زیر است:

- ❖ تقدم ملاحظات اقتصادی در کنار ملاحظات سیاسی، امنیتی و ایدئولوژیک.
- ❖ درک و پذیرش تحولات اقتصاد جهانی و برنامه ریزی، جهت سازگاری بیشتر با آن.
- ❖ تبدیل چالش ها و بحران ها به فرصت ها.
- ❖ بهره گیری هرچه بیشتر از ابزار و توانایی های اقتصادی موجود در تعاملات دو جانبه و چند جانبه.
- ❖ برقراری ارتباط با واحدهای اقتصادی و مالی بین المللی و بهره گیری از قدرت آنها در چانه زنی های بین المللیو تلاش برای ایجاد نهادهای اقتصادی و تجاری منطقه ای و برقراری ارتباط با نهادهای مشابه در مناطق دیگر؛ بدون تردید کارآمدی این رهیافت در مورد کشورهای مختلف یکسان نیست. کشورهایی که از ظرفیت ها و پتانسیل های اقتصادی بیشتری نظیر وجود منابع استراتژیک، بازار گسترده، سیستم اقتصادی بازار آزاد، وجود فرصت های سرمایه گذاری بیشتر، دسترسی به کانال های

ارتباطی بین المللی، موقعیت جغرافیایی و استراتژی‌یکو... برخوردار باشد، در اجرای این رهیافت به لحاظ سرعت و کارآمدی موفق تر خواهند بود. (محمدی، ۱۳۷۴: ۱۲۶)

با گسترش توجه به دیپلماسی اقتصادی در کشورها، تعریف فعالیت ها، اهداف، استراتژی و تسهیل امکانات در دستور کار دولت ها قرار گرفت و هر چند محتوای دیپلماسی اقتصادی بر اساس امکانات و ابزارها متفاوت است با این وجود، اهداف در بیشتر کشورها یکسان می نماید توجه به گسترش روابط اقتصادی با دولت های دیگر، نهادهای مالی بین المللی، گسترش روابط حوزه های توریسم، سرمایه گذاری بخش های خصوصی از اهداف عمده دیپلماسی اقتصادی بوده است که در بردارنده ی موارد زیر می باشد:

۱. کمک به همگرایی سیاست های اقتصادی دولت ها با راهبردها و اهداف سیاست خارجی
۲. بسط خرد جمعی و افزایش همکاری های بخش خصوصی و دولتی جهت مدیریت دیپلماسی اقتصادی
۳. سازماندهی و هماهنگی در حوزه سیاسی
۴. تسهیل کمک های مالی و گسترش فعالیت های تجاری
۵. کمک به تقویت کمیسیون های اقتصادی جهت شناخت فرصت های اقتصادی برای افزایش همکاری های منطقه ای و فرا منطقه ای و تمرکز فعالیت ها، تفکرات و تصمیم گیری در زمینه موضوعات روابط اقتصادی (مشیرزاده: ۱۳۸۴: ۲۱۸)

باید توجه داشت که فعالیت های دولت ها در حوزه فعالیت های اقتصادی به دو بخش مجزا تقسیم می شود که مهمترین وظیفه آنان آرایه خدمات مربوط به دیپلماسی اقتصادی می شود. در این بخش حوزه دوم عملکردی آنها تحت عنوان دیپلماسی تجاری مورد بحث قرار میگیرد

یکی از کارکردهای اصلی دیپلماسی در زمینه تجارت در سطح دو جانبه و چند جانبه، ایجاد قواعد و چارچوبی است که بر اساس آن طرفین قادر باشند فعالیت های بازرگانی و سایر موارد همچون تامین مالی و سرمایه گذاری را به شیوه ای سازمان یافته

اداره کنند. همچنین زمانی هدف دیپلماسی تقویت یا تجدیدساختار تجارت است که سطح روابط تجاری در فقدان یک توافق یا عدم کفایت یک توافقنامه پیشین، پایینو گسیخته باشد بعلاوه، دولت ها اغلب یک توافقنامه رسمی را به دلیل امنیت اقتصادی، چون توافقنامه های حمایت از سرمایه گذاری (IPAS) برای حفاظت از دارایی ها و فعالیت های اتباع خود یا تضمین امنیت فراهم شدن مواد خام یا کالای اساسی، مهم تلقی می کنند. در حالی که این بحث وجود دارد که دیپلماسی برای گسترش ترتیبات قانونی میان دولت ها، همچنین میان دولتها و واحدهای دولتی به کار گرفته می شود، عکس آن نیز صادق است. ممکن است دولت ها از بستن یک موافقتنامه عمومی تجارت یا موافقتنامه ای جزئی خودداری کنند تا از کسب منافع جلوگیری کنند یا از آن منافع بعنوان اهرمی جهت به دست آوردن امتیازات در برخی زمینه های دیگر استفاده کنند.

از دیگر سو، دیپلماسی اقتصادی در حمایت از بخش های خصوصی هر کشوری می تواند با پیگیری موقعیت های اقتصادی در کشورهای دیگر عمل کند. بر این مبناء، مامورین دیپلماسی تجاری می توانند با جمع آوری اطلاعات در باب موقعیت های تجاری، عملکرد بخش های تجاری کشور مورد هدف برای بخش های تجاری کشور متبوع خود، گام بزرگی در جهت توسعه ملی و افزایش تجارت بردارند (بزرگی، ۱۳۹۳: ۵۴).

۴. دیپلماسی اقتصادی ایران

دیپلماسی اقتصادی ایران را می توان به دو دوره کلی پیش و پس از انقلاب اسلامی تقسیم کرد. هر کدام از این دوره ها ویژگی های خاص خود را دارند که به اختصار آن ها را می توان در موارد زیر خلاصه نمود:

۴.۱. ویژگی های دیپلماسی اقتصادی ایران پیش از انقلاب اسلامی

دیپلماسی اقتصادی ایران در قبل از انقلاب شکوهمند اسلامی به شدت متکی بر روابط نزدیک با غرب و به ویژه ایالات متحده بود. برخی از آن ها عبارتند از::

۱. وابستگی به صادرات نفت خام: درآمدهای حاصل از صادرات نفت، منبع اصلی درآمد ایران و تعیین کننده سیاست های اقتصادی و خارجی آن بود.

۲. ارتباطات نزدیک با غرب: ایران روابط تنگاتنگی با دولت های سرمایه داری غربی به ویژه آمریکا داشت و به شدت به این روابط وابسته بود.

۳. سرمایه گذاری خارجی محدود: علی رغم وجود منابع طبیعی فراوان، جذب سرمایه گذاری خارجی در ایران محدود بود (رزاقی، ۱۳۵۸: ۳۴).

۴.۲. ویژگیهای دیپلماسی اقتصادی پس از انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران پس از پیروزی، کارکرد نظام بین الملل را که شامل اتحادیه‌ها، همکاری‌ها و نهادها و روابط متقابل بازیگران اصلی و فرعی می‌باشد را در شش مقوله عمده «استقلال»، «عدالت»، «صلح»، «امنیت»، «آزادی» و «معنویت و دین» را به زیر سؤال برده و آنان را با چالش مواجه و تعریف جدیدی از این شش مقوله در عرصه بین‌الملل ارائه داده است. انقلاب اسلامی با تشکیل گروههای مقاومت و حمایت از آنها و گسترش حضور نظامی مستشاری و نفوذ سیاسی و عقیدتی و فرهنگی و هنری و علمی و تشکیل بسیج و نهادهای خدمت‌رسانی مردمی در سایر کشورها در سطح جهانی نیز به گسترش مواضع انقلابی خود، دست‌زده است. اما همانطور که بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه از ابزار قدرتمند دیپلماسی اقتصادی جهت تعامل بیشتر با اقتصاد جهانی بهره می‌گیرند، جمهوری اسلامی ایران نیز از دیپلماسی نوین خود در سالهای بعد از انقلاب اسلامی و همچنین در شرایط کنونی در بهبود وضعیت اقتصادی خود بهره برده است به همین دلیل توجه هرچه بیشتر به اقتصاد مقاومتی و دیپلماسی اقتصادی با کشورهای پیرامون، با توجه به موقعیت جغرافیایی ایران به چند طریق از بی ثباتی و ناامنی منطقه ای جلوگیری می‌کند و در نتیجه، موجب رسیدن به اهداف استراتژیک و توسعه ای جمهوری اسلامی ایران است. ایران برای توسعه، نیاز جدی به تعامل با اقتصاد جهانی دارد. دیپلماسی اقتصادی یکی از مهم ترین ابزارها برای رسیدن به جایگاه اول منطقه است. واگذاری مسئولیت ها درحوزه اقتصاد به وزارت امور خارجه، توجه به دیپلماسی اقتصادی بر اساس ظرفیت های داخلی و تعامل در روابط اقتصادی از همان سالهای اولیه پیروزی انقلاب، اهمیتی دوچندان داشته، چرا که با استفاده از راهکارهایی همچون ایجاد شبکه ای از روابط راهبردی با همسایگان، استفاده از پیمان های دوجانبه

ارزی و تشکیل شورای هماهنگی دیپلماسی اقتصادی، نقش دیپلماسی اقتصادی را در تقویت منافع ملی و اقتدار بین المللی کشور افزایش داده است. (خلیلی، ۱۳۹۶: ۱۹۱)

آغاز انقلاب اسلامی در ایران با توجه به استقلال فرهنگی و سیاسی و عقیدتی و اقتصادی در برابر دو قطب حاکم بر دنیای آن روزها که بر دو ایدئولوژی لیبرالیستی و مارکسیستی متکی بودند، صورت گرفت. انقلاب اسلامی با یک ایدئولوژی جدید که در هدف با هر دو متضاد بوده و در ابزار رسیدن و شیوه ها و روشهای آنان برای اداره جامعه بشری متفاوت بود آغاز شد و در دانشگاههای ایران انقلاب فرهنگی به پا شد. هدف نظام آموزشی دانشگاهی با انقلاب فرهنگی اسلامی متحول گردید و آغاز راه جدیدی جهت راهگشایی و حل مشکلات فرهنگی و علمی و آموزشی و نیز اقتصادی شد متفکران و اندیشمندان اقتصادی در کشوری که در آن انقلاب اسلامی وقوع یافته به دنبال گشودن راه جدیدی در بررسی های اقتصادی و یافتن راه حل های جدیدی برای مسائل اقتصادی کشور که مدام با برنامه های تضعیف کننده و براندازانه نظام سلطه چون تحریم های فلج کننده روبروست، آغاز بکار کردند و اینگونه انقلاب اسلامی منجر به تغییر بنیادین در دیپلماسی اقتصادی ایران شد و کاهش وابستگی به غرب و تقویت استقلال اقتصادی را به عنوان اهداف اصلی دنبال کرد. (سیفزاده، ۱۳۸۶: ۴۴۷)

در این راستا سیاست در اولویت قرار دادن همسایگان و منطقه گرایی به ویژه با نگاه به شرق در دستور کار دیپلماسی اقتصادی ایران قرار گرفت. همانگونه که در بخش چارچوب نظری به آن اشاره شد منطقه گرایی در مفهوم جدید خود به ویژه در بین کشورهایی که به دنبال سرمایه گذاری روی پتانسیل های بالقوه و بالفعل خود برای ایجاد یک اقتصاد پایدار مبتنی بر تولید دنبال می شود و از سوی دیگر در این چارچوب با تاکید بر منطق اتصال در بین نهادهای منطقه ای روابط اقتصادی گسترش یافته و نیل به اهداف اقتصادی که رشد و رفاه از مهم ترین آن هاست دست یافتی تر و سهل الوصول تر خواهد شد.

در این میان شرایط سخت ناشی از فشارهای اقتصادی تحمیلی از سوی غرب و به سرکردگی ایالات متحده که در پی وقوع انقلاب اسلامی همواره روندی افزایش یافته داشته موجب گردید تا دیپلماسی اقتصادی ایران به این سمت میل و چرخش بیشتری داشته

داشته باشد. چرا که وفق آن چه که در بحث چارچوب نظرب به آن پرداخته شد استراتژی مزبور علاوه بر کاهش اثرات زیان بار تحریم و کمک به رشد و رفاه می تواند زمینه های ورود کامل تر به عرصه مناسبات جهانی را تسهیل نماید.

بدون شک اصلی ترین راهبردهای که جمهوری اسلامی در سال های اخیر اتخاذ نموده است همکاری و یا حتی عضویت در ترتیبات اقتصادی مستقل منطقه ای به ویژه با نگاه به شرق بوده است. یکی از مهم ترین این نهادها بدون تردید اتحادیه اقتصادی اوراسیاست که از ظرفیت های بالفعل و بالقوه فراوانی برخوردار است و همکاری و مشارکت در چارچوب آن می تواند جمهوری اسلامی را در نیل به اهدافی که ذکر گردید یاری دهد.

۵. اتحادیه اقتصادی اوراسیا (Eurasian Economic Union)

اتحادیه اقتصادی اوراسیایک سازمان بین المللی است که با هدف توسعه همکاری های اقتصادی، تجاری و مالی میان کشورها در منطقه اوراسیا تأسیس شده است. این اتحادیه به عنوان یک نهاد چندجانبه و منطقه ای بر اساس اصول همکاری اقتصادی، ایجادبازارمشترک و تقویت پیوندهای اقتصادی بین کشورهای اعضا عمل می کند.

۵.۱. تاریخچه و تأسیس

اتحادیه اقتصادی اوراسیا در سال ۲۰۱۵ تأسیس شد. این ایده از سالها قبل مطرح شده بود و ریشه های آن به همکاری های اقتصادی بین کشورهاییمانند روسیه، بلاروس و قزاقستان برمی گردد که از سال ۲۰۱۰ با تأسیس اتحادیه گمرکی این کشورهای سه گانه آغاز شد. (Mankoff, ۲۰۱۱: ۳۳) بعد از آن، ارمنستان و قرقیزستان نیز به این اتحادیه پیوستند و به تدریج فرایند گسترش این سازمان ادامه یافت. این اتحادیه به عنوان یک ابتکار مهم در جهت گسترش همکاری های اقتصادی و تجاری در منطقه اوراسیا شناخته می شود. با وجود چالش ها، این اتحادیه پتانسیل بالایی برای تقویت پیوندهای اقتصادی و بهبود شرایط تجاری بین کشورهای عضو دارد (مرادی و همکاران ۱۴۰۲: ۲۶۳).

۵.۲. تحولات دیپلماسی اقتصادی ایران با کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا بعد از

انقلاب اسلامی

دیپلماسی اقتصادی ایران طی دهه اول بعد از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۹۷۹-۱۹۸۹) به دلیل شرایط پس از انقلاب و جنگ تحمیلی، بیشتر بر همکاری‌های اقتصادی با شوروی سابق متمرکز بود. در سال ۱۹۸۵ قرارداد بزرگ همکاری اقتصادی و فنی به ارزش ۲۰ میلیارد دلار میان ایران و شوروی امضا شد (ملکوتیان، ۱۳۸۰: ۵۴)

دولت آقای هاشمی رفسنجانی (۱۹۸۹-۱۹۹۷) در این دوره، ایران تلاش کرد تا روابط اقتصادی خود را با کشورهای تازه استقلال یافته از شوروی سابق گسترش دهد. در سال ۱۹۹۱، ایران و قزاقستان قرارداد همکاری‌های اقتصادی و فنی امضا کردند.

پس از آن دولت آقای سیدمحمد خاتمی (۱۹۹۷-۲۰۰۵) به دنبال سیاست تنوع بخشی، روابط اقتصادی ایران را با کشورهای تقویت کرد که اکنون عضو اتحادیه اوراسیا می باشند.

دولت آقای احمدی‌نژاد (۲۰۰۵-۲۰۱۳):- در این دوره، همکاری‌های اقتصادی ایران با برخی کشورهای اتحادیه اوراسیا توسعه یافت. در سال ۲۰۰۹، ایران و روسیه قراردادی را برای احداث نیروگاه اتمی بوشهر به امضا رساندند. دولت آقای محمود احمدی‌نژاد در سال ۲۰۱۴ توافقنامه تجارت آزاد ایران و ارمنستان را امضا کرد که منجر به افزایش ۴۰ درصدی صادرات ایران به ارمنستان شد.

دولت آقای حسن روحانی (۲۰۱۳-۲۰۲۱):- در این دوره، ایران و اتحادیه اوراسیا همکاری‌های اقتصادی خود را به طور جدی تر دنبال کردند. در سال ۲۰۱۸، موافقتنامه تجارت آزاد جامع میان ایران و اتحادیه اوراسیا امضا شد که منجر به افزایش مبادلات تجاری دو طرف به بیش از ۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲ شد.

دولت آقای سیدابراهیم رئیسی (۲۰۲۱-2023):- در این دوره، روند همکاری‌های اقتصادی ایران با اتحادیه اوراسیا تسریع شده است. در سال ۲۰۲۲، ایران به عضویت دائم اتحادیه اقتصادی اوراسیا درآمد و بین ایران و اتحادیه اوراسیا قرارداد تجارت ترجیحی به تجارت آزاد تبدیل شد.

همچنین در این دوره، همکاری‌های دو طرف در زمینه‌های انرژی، بانکداری و حمل و نقل گسترش یافته است. در مجموع، دیپلماسی اقتصادی ایران با اتحادیه اوراسیا در طول دولت‌های مختلف بعد از انقلاب اسلامی، روند صعودی داشته و همکاری‌های دو طرف در حوزه‌های مختلف اقتصادی به طور پیوسته توسعه یافته است. (احمدی، ۱۳۹۶: ۲۲۸)

در ۲۵ دسامبر ۲۰۲۳، اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا (EAEU) در حاشیه نشست شورای عالی اقتصادی اوراسیا توافقنامه تجارت آزاد (FTA) با ایران را امضا کردند. FTA تعرفه واردات تقریباً ۹۰ درصد از محصولات را حذف می‌کند که بیش از ۹۵ درصد تجارت دوجانبه بین طرفین را تشکیل می‌دهد. انتظار می‌رود که FTA حجم تجارت را افزایش دهد زیرا توافق موقت بین اوراسیا و ایران که در سال ۲۰۱۹ اجرایی شد، توانست تجارت متقابل را دو برابر کند و کل تجارت از ۲.۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ به ۶.۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲ افزایش یافت. همچنین، توافقنامه تجارت آزاد شرایط انحصاری را برای تولیدکنندگان کشاورزی اتحادیه اوراسیا برای عرضه کالاهای اساسی به بازار ایران مانند غلات، ذرت، گاو و گوشت دام فراهم ساخت اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، دیپلماسی اقتصادی ایران دچار تحول اساسی شد: تمرکز بر استقلال اقتصادی: یکی از اهداف اصلی دیپلماسی اقتصادی ایران کاهش وابستگی به قدرت‌های بزرگ و تقویت استقلال اقتصادی بود روابط با کشورهای در حال توسعه: ایران روابط اقتصادی خود را با کشورهای جهان سوم به ویژه کشورهای مسلمان و همسایه تقویت کرد (ولی زاده، ۲۰۱۸: ۵۱۹).

۵.۳. دیپلماسی اقتصادی ایران و همکاری منطقه ای با اتحادیه اوراسیا

ایران بعد از انقلاب اسلامی در بسیاری از اتحادیه‌های منطقه ای عضو بوده است مانند گروه دی ۸، اتحادیه کشورهای حاشیه اقیانوس هند، سازمان آکو، شانگهای، بریکس و اخیراً همکاری با اتحادیه اقتصادی اوراسیا. کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا شوریهایی از آسیای مرکزی و شمالی و اروپای شرقی شامل بلاروس، قزاقستان، روسیه، ارمنستان و قرقیزستان هستند. تعرفه گمرکی در تجارت کالایی بین اعضای

اتحادیه صفر است و اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا تعرفه خارجی مشترکی برای کالاهایی که از خارج از اتحادیه وارد می شوند دارند اتحادیه اقتصادی اوراسیا برای ارتقای رقابت و همکاری بین اقتصادها و بهبود توسعه پایدار به منظور بهبود سطح زندگی کشورهای عضو ایجاد شده است. یکی از نتایج آن این است که این اتحادیه به عنوان یک نهاد واحد در مذاکرات بین المللی نظیر مذاکره با سازمان تجارت جهانی وارد میشود و دیگر لازم نیست هر کشور به صورت اعمال می کننداز منظر مؤسسان اتحادیه اقتصادی، اوراسیا این اتحادیه می تواند بازار بزرگی در چارچوب قوانین سازمان تجارت جهانی ایجاد کند و تجارت میان اعضا را بهبود بخشد و تسهیلات بسیاری را در این زمینه برای کشورهای عضو به ارمغان آورد. از همین رو، اعضای آن موافقت خود را با تردد آزاد، کالا، سرمایه نیروی کار و خدمات در مرزهای اوراسیا بیان داشته اند. همچنین اعلام کرده اند که سیاست هماهنگ شده ای در زمینه انرژی صنایع حمل و نقل و بخش کشاورزی را دنبال خواهند کرد و در پی ایجاد بازارهای مشترک نفت و گاز بازار واحد عرضه دارو و نیز بازار واحد تولید و عرضه نیروی برق به منظور تعمیق همکاری اقتصادی با یکدیگر هستند. (اخوی، ۱۳۹۳: ۶۸)

تعامل با کشورهای منطقه اوراسیا، ایران را در ایجاد زمینه های لازم برای تجارت آزاد و همگرایی اقتصادی با خود مشتاق نموده است. منطقه گرایی میتواند مؤثرترین راه برای گشودن تدریجی اقتصادهای ملی کشورها و ادغام آنها در اقتصاد جهانی باشد. ایران یک قدرت منطقه ای در جنوب غربی آسیا است و جایگاه مهمی را به دلیل در اختیار داشتن صنعت نفت صنعت پتروشیمی، گاز طبیعی و خودروسازی برای خود و اقتصاد جهانی به دست آورده است و خطوط و کریدورهای بین المللی شرق و جنوب شرق آسیا و اروپا توسط ایران فراهم است، ویژگیهای جغرافیای سیاسی ایران در حفاصل منطقه آسیای مرکزی، خزر، خلیج فارس و غرب آسیا همواره زمینه های بالقوه ای را برای پیشبرد اهداف اقتصادی منطقه ای در سیاست خارجی ایران ایجاد کرده است. رشد منطقه گرایی و میل به ایجاد همگراییهای اقتصادی در چارچوبهای گوناگون روز به روز در حال گسترش است. به طوری که امروزه کمتر کشوری را میتوان یافت که عضو حداقل یک نهاد با کارکرد اقتصادی نباشد. تلقی از همگرایی اقتصادی به عنوان موتور

توسعه سبب استقبال کشورها از گسترش همکاریهای اقتصادی شده است. کاهش موانع تعرفه ای و غیر تعرفه ای بهبود فضای کسب و کار و تسهیل در جریان مبادلات ارزی و مالی کشورها در قالب طرح های همگرایی می تواند عامل توسعه و استحکام این روابط گردد و دسترسی به بازار کشورهای مورد مطالعه برای صادر کنندگان ایران با شناخت بخشها و کشورهای هدف و الگوبرداری از کشورهای عضو طی فرآیند همگرایی و رسیدن به درجه توسعه یافتگی بالا حتی در کوتاه مدت نیز میتواند اتفاق افتد ایران نیز با اتخاذ یک دیپلماسی واقع بینانه، پویا، همه جانبه و سازگار با واقعیتهای کشورهای عضو اتحادیه میتواند میان انبوهی از فرصتها چه در بخش کالایی و چه در بخش غیر کالایی نظیر خدمات حمل و نقل و خدمات فنی و مهندسی سهم مناسبی از ظرفیتهای بازار کشورهای عضو را در اختیار گیرد و در راستای تأمین هرچه بیشتر منافع ملی گسترش و تعمیق روابط میان طرفین و دست یابی به جایگاه نخست اقتصادی، علمی و فناوری طبق سند چشم انداز ۲۰ ساله تا سال ۱۴۰۴ گام بردارد. اتحادیه اقتصادی اوراسیا با جمعیتی بیش از ۱۸۳ میلیون نفر ۶/۲ درصد از جمعیت جهان را داراست و کشورهای روسیه و قزاقستان به ترتیب با جمعیتی حدود ۵/۱۴۴ و ۵/۱۸ میلیون نفر رتبه های اول و دوم را به خود اختصاص داده - اند. ایران نیز با وسعت ۶/۱ میلیون کیلومتر مربع دارای جمعیتی بالغ بر ۸۳ میلیون نفر میباشد تولید ناخالص داخلی دربرگیرنده ارزش مجموع کالاها و خدماتی است که طی یک دوره مشخص معمولاً یک سال در یک کشور تولید می - شود و یکی از معیارهای تعیین توان و ظرفیت اقتصادی کشورها در تولید و مصرف میباشد کشورهای عضو اتحادیه از تولید ناخالص داخلی حدود ۷/۴ تریلیون دلار و همچنین تجارت خارجی کشورهای عضو با خارج از اتحادیه بالغ بر ۸۷۷ میلیارد دلار یعنی برابر ۷/۳ درصد صادرات و ۳/۲ درصد واردات کل جهان است به عبارت دیگر کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا حدود ۵۴۸ میلیارد دلار به جهان صادرات داشته و ۵/۳۱۸ میلیارد دلار نیز از جهان واردات کرده اند در میان کشورهای اتحادیه فدراسیون روسیه بیشترین میزان، جمعیت تولید ناخالص داخلی و حجم تجارت با جهان را داشته است. (Tabac, M. (2016). همچنین، اتحادیه اقتصادی اوراسیا دارای سهم ۷/۲۰ درصدی از تولید گاز طبیعی در جهان را داراست. جمعیت فعال اقتصادی در منطقه این اتحادیه

۳/۹۴ میلیون نفر هستند و تولید ناخالص داخلی منطقه ۲/۳ درصد تولید ناخالص داخلی جهان را تشکیل می‌دهد در بخش انرژی مجموع تولید نفت کشورهای عضو حدود ۶۳۴ میلیون تن است که با ۶/۱۴ درصدی در جهان رتبه اول را دارد در تولید گاز نیز مجموع کشورهای عضو با تولید حدود ۷۴۵ میلیون متر مکعب رتبه دوم تولید گاز جهان را به خود اختصاص داده اند و از نظر تولید برق رتبه چهارم جهان را با تولید ۲۵۵/۱ میلیون کیلووات ساعت دارند ارزش تولیدات کشاورزی اتحادیه ۹/۱۲۳ میلیارد دلار است که ۵/۵ بر درصد کل تولیدات کشاورزی جهان را تشکیل می‌دهد کشورهای عضو در مجموع رتبه پنجم تولید غلات و حبوبات و رتبه سوم تولید شیر جهان را به خود اختصاص داده اند این کشورها در زمینه تولید، استیل کودهای معدنی و چدن نیز جزئی از پنج تولید کننده برتر جهان هستند. مجموع مساحت کشورهای عضو این اتحادیه بیش از ۲۰ میلیون کیلومتر مربع و جمعیت آن بیش از ۱۸۳ میلیون نفر است که با پیوستن ایران جمعیت این اتحادیه به ۲۶۶ میلیون نفر سهم خواهد رسید. (کولایی، ۱۴۰۱: ۲۰۲)

جدول (۱) اطلاعات پایه‌ی کشورهای عضو اتحادیه‌ی اقتصادی اوراسیا (بر اساس

داده‌های سال ۲۰۲۲)

اطلاعات پایه	حجم کلی	سهم جهانی
جمعیت کلی	۱۸۵ میلیون نفر	۲,۴٪
نرخ بیکاری	۵,۵٪	۲,۲٪ متوسط جهانی
تولید ناخالص داخلی	۲ تریلیون دلار (۴ تریلیون دلار بر اساس نرخ برابر قدرت خرید)	۳,۲٪
تولید نفت	۶۳۴ میلیون تن	۱۴,۵٪
تولید گاز	۷۴۴ میلیون متر مکعب	۲۰,۲٪
تولید برق	۱,۲۵۵ میلیون کیلووات بر ساعت	۴,۹٪
تولیدات کشاورزی	۱۲۳,۹ میلیارد کیلو در سال	۵,۳٪
تولید دانه‌های روغنی و حبوبات	۱۶۶ میلیون تن	۵,۳٪
تولید فلزات	۸۳,۱ میلیون تن در سال	۵٪
تولید کودهای معدنی	۳۱,۱ میلیون تن در سال	۱۶,۶٪
خطوط ریلی	۱۰۹ هزار کیلومتر	۸٪
طول جاده‌ها	۱۷۱۲ کیلومتر	۴,۷٪
دسترسی به فضای مجازی	۸۶٪ جمعیت کل	۳,۹٪

(منبع: EAEU, 2023)

واکاوی میزان و جنس صادرات در مقابل حجم کلی واردات کشورهای عضو اتحادیه نشانگر آن است که اعضای این اتحادیه، عموماً مصرف کننده کالاهای لوکس، محصولات کشاورزی و تولیدات صنعتی هستند. از سوی دیگر، صادرات کشورهای عضو مشتمل بر محصولات خام معدنی و هیدروکربنی همچون انواع فلزات معدنی، نفت و گاز با حجم پایین فراوری و صنعتی سازی است (جدول ۲).

جدول ۲) میزان و جنس صادرات و واردات مهمترین کشورهای عضو اتحادیه‌ی اقتصادی اوراسیا

کشور	عمده صادرات به بازارهای جهانی	عمده واردات از بازارهای جهانی
روسیه	نفت خام، گاز طبیعی، چوب، پتروشیمی، کودهای معدنی، فلزات	ماشین آلات صنعتی و کشاورزی، دارو و تجهیزات پزشکی و خودرو
قزاقستان	نفت، گاز، اورانیوم، کک نفتی، قیر، مس و نقره	دستگاه‌های مخابراتی، وسایل نقلیه، فولاد، دارو و محصولات کشاورزی
قرقیزستان	فلزاتی همچون طلا، مس، نفت، پنبه، سبزیجات و دارو	قند، شکر، شکلات، گندم، دارو و البسه
ارمنستان	سیگار، طلا، آلومینیوم، کنسانتره مس، الکل، مواد معدنی، فرآورده‌های غذایی	گاز، نفت، داروهای ترکیبی، تلفن همراه، گندم، ماشین آلات صنعتی و الماس تراش نشده
بلاروس	لاستیک، لبنیات، چوب، گوشت و فرآورده‌های گوشتی، ماشین‌آلات کشاورزی و کودهای شیمیایی	نفت، گاز طبیعی، دارو، مقاطع تخت فلزی، وسایل نقلیه، دستگاه‌های تلفن، میوه و محصولات پتروشیمیایی

((منبع: EAEU, 2023))

بر پایه داده‌های مندرج در جدول ۲، می‌توان دریافت که کشورهای عضو اتحادیه را باید بازیگرانی با موقعیت نیمه پیرامونی در نظام جهانی تلقی نمود که هم سطحی از صنعتی سازی (با فناوری پایین) را تجربه می‌کنند و هم صادرکننده مواد خام و نیروی کار به کشورهای صنعتی و پیشرفته جهان هستند. با این وجود، اتحادیه اقتصادی اوراسیا می‌تواند به‌عنوان فضایی برای صادرات غیرنفتی ایران و نیز استفاده بهره‌ورانه از دالان‌ها و کریدورهای ایران از سوی کشورهای عضو، مورد استفاده قرار گیرد.

۵.۴. شاخص های اقدام دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در قبال اتحادیه

اوراسیا

تا قبل از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، ایران روابط نزدیکی با غرب و به ویژه آمریکا داشت. اما پس از پیروزی انقلاب، سیاست خارجی ایران دچار تغییر اساسی شد. در دوران پس از انقلاب، ایران روابط خود را با کشورهای مستقل در منطقه و جهان اسلام تقویت کرد. در همین راستا، همکاری های ایران با کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا از جمله روسیه، قزاقستان و قرقیزستان افزایش یافت- پس از انقلاب، ایران تلاش کرد تا از طریق دیپلماسی اقتصادی، به توسعه روابط تجاری و سرمایه گذاری مشترک با کشورهای منطقه بپردازد- در مورد اتحادیه اوراسیا، ایران و کشورهای عضو این اتحادیه همکاری هایی در زمینه های مختلف اقتصادی از جمله انرژی، حمل و نقل و صنعت دارند. به عنوان مثال، ایران و روسیه در پروژه های انرژی هسته ای و گاز طبیعی مشارکت دارند. (اخوی، ۱۳۹۳: ۶۸)

پس از انقلاب، ایران بر همکاری های امنیتی و سیاسی با کشورهای منطقه تأکید کرد. در ارتباط با اتحادیه اوراسیا، ایران و کشورهای عضو در زمینه های مختلف سیاسی، امنیتی و منطقه ای همکاری نزدیکی دارند. به عنوان مثال، ایران و روسیه هماهنگی هایی در قبال تحولات سیاسی و امنیتی در خاورمیانه دارند.

انقلاب اسلامی باعث شد ایران در جهت همگرایی منطقه ای و مخالفت با سلطه قدرت های فرامنطقه ای گام بردارد نمونه ی بارز آن پیوستن ایران به اتحادیه های منطقه ای است. در ارتباط با اتحادیه اوراسیا، ایران تلاش می کند تا نقش فعال تری در این اتحادیه و همکاری های منطقه ای آن ایفا کند. در مجموع، انقلاب اسلامی باعث شده است که ایران در راستای گسترش همکاری های منطقه ای و دیپلماسی اقتصادی خود با اتحادیه اوراسیا اقدامات مهمی را انجام دهد. این اقدامات شامل تقویت روابط سیاسی، امنیتی و اقتصادی، همچنین تلاش برای ایفای نقش فعال تر در همگرایی منطقه ای می شود. این موضوعات به هم مرتبط بوده و در کنار هم، نشان دهنده اهمیت تاثیر انقلاب

اسلامی ایران در گسترش همکاری های منطقه ای و دیپلماسی اقتصادی آن با اتحادیه اوراسیا است (محمدپور، ۱۳۹۹: ۴۴۷).

اهمیت این مساله به حدی است که در سوم اسفندماه ۱۴۰۳ در طی بازدید از نمایشگاه تجارت با اوراسیا که با حضور بیش از ۱۰۰ شرکت ایرانی و هیات های تجاری از کشورهای روسیه، ارمنستان، قزاقستان، قرقیزستان و بلاروس برگزار شده استبر نقش کلیدی توسعه تعاملات تجاری با اوراسیا تأکید کرد (irna.ir/news/85757871).

جدول زیر (جدول شماره ۳) که میزان واردات ایران از کشورهای عضو این اتحادیه طی ۵ سال منتهی به ۱۴۰۲ را نشان می دهد حکایت از این مهم دارد که میزان واردات ایران از این اتحادیه طی مدت یاد شده، رشد بسیار چشمگیری داشته است.

ارزش واردات ایران از کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا (میلیون دلار - هزار تن)

سال	روسیه	قزاقستان	ارمنستان	بلاروس	قرقیزستان	اوراسیا	واردات ایران	سهم اوراسیا
۱۳۹۷	ارزش	۸۷	۲۳	۲۳	۱۲	۱۴۹۹	۴۱۷۹۵	۳.۶
	وزن	۲۲.۳	۲۹۷	۵	۱۲	۲۵۲۳	۲۰۴۷۹	۸.۳
۱۳۹۸	ارزش	۱۰۵	۳۱	۱۴	۱۱	۱۳۳۵	۴۴۰۹۴	۳.۰
	وزن	۲۹۶۲	۲۶۴	۱۶	۶	۳۲۶۲	۳۵۸۵۱	۹.۱
۱۳۹۹	ارزش	۱۰۳۱	۳۷	۱۷	۹	۱۱۰۰	۳۸۹۱۲	۲.۸
	وزن	۲۹۳۳	۹۰	۷	۴	۳۰۴۵	۲۳۷۵۵	۹.۰
۱۴۰۰	ارزش	۱۶۶۳	۷۹	۲۰	۱۰	۱۷۷۵	۵۳۰۵۳	۳.۳
	وزن	۳۷۸۱	۲۲۰	۷	۳	۴۰۱۷	۴۱۲۱۵	۹.۷
۱۴۰۱	ارزش	۱۵۸۲	۱۳۳	۱۴	۴۴	۱۷۸۲	۶۰۲۹۴	۳.۰
	وزن	۲۶۳۱	۲۹۳	۷	۱۸	۲۹۵۶	۳۷۳۸۴	۲۹.۹
۱۴۰۲	ارزش	۱۸۰۵	۶۸	۵۱	۶۳	۷	۶۴۵۴۸	۳.۱
	وزن	۳۷۵۲	۱۴۷	۱۳	۲۸	۳	۲۸۳۴۷	۱۰.۳

منبع: گمرک / سال ۱۴۰۲ براساس عملکرد ۹ ماهه پیش بینی شده

نتیجه گیری

پس از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، شور انقلابی و گرمای توسعه سبب شد تا صدها پیشنهاد و طرح از سراسر کشور به سازمان برنامه سرازیر شود. کارشناسان سازمان برنامه بودند، برنامه ای تازه متناسب با تحولات و نیازهای روز کشور تهیه و در اردیبهشت ۱۳۵۸، ارائه نمودند. در اقدام بعدی، مجموعه ای شامل تحلیل وضع گذشته و موجود کشور و پیشنهادهای کارشناسی از جمله هشدار درباره اجتناب از امحای بخش خصوصی به سمینار نخست وزیری روزهای ۲۵ تا ۳۰ شهر یور ۱۳۵۸ تسلیم شد. پس از انقلاب

اسلامی هم رویکردهای متفاوت گروههای سیاسی، تحریمهای گسترده و برنامه‌ریزی شده خارجی و مشکلات جنگ تحمیلی برنامه‌ریزی ملی را برای ده سال با رکود و تعطیلی روبه‌رو کرد. پس از آن، تصمیم‌گیری‌های سیاسی همواره بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و فنی غلبه کرد. سرانجام برنامه ۵ ساله برای دوره ۱۳۶۶ و ۱۳۶۲ تهیه و در شهریور ۱۳۶۱ به تصویب شورای اقتصاد و در تیرماه ۱۳۶۲ به تصویب هیئت دولت رسید، اما هرگز به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسید. مشکلات و مسائل متنوع بعد از انقلاب و شروع جنگ تحمیلی عراق، سبب شد تا شرایط لازم برای توجه به برنامه‌ریزی و ادامه فعالیت‌های توسعه اجتماعی برنامه‌ریزی میان مدت ۵ ساله کافی نیست و در پی برنامه‌ریزی بلندمدت ۲۰ ساله و طرح‌ریزی استراتژی توسعه برآمدند.

انقلاب ملت ایران، در زمانی اتفاق افتاد که همه چیز علیه آن بود و هیچ تجربه پیشینی و راه طی شده‌ای در برابر ملت ایران نبود، جهان دوقطبی آن روز را به جهان سه‌قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط و حذف شوروی و امارش و پدید آمدن قطب‌های جدید قدرت، تقابل دوگانه جدید «اسلام و استکبار»، پدیده برجسته‌جهان معاصر و کانون توجه جهانیان شد.

این چهل و شش سال، شاهد جهادهای بزرگ و افتخارات درخشان و پیشرفت‌های شگفت‌آور در ایران اسلامی هستیم که اگر با انقلابهای بزرگی همچون انقلاب فرانسه و انقلاب اکتبر شوروی و انقلاب هند مقایسه شود. عظمت آن بدرستی دیده می‌شود. مدیریت‌های جهادی الهام گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل «ما می‌توانیم» که امام بزرگوار به همه ما آموخت، ایران را به عزت و پیشرفت در همه عرصه‌ها رسانید. انقلاب اسلامی محصول تلاش چهل و شش ساله اکنون برابر چشم ما است: کشور و ملتی مستقل، آزاد، مقتدر، باعزت، متدین، پیشرفته در علم، انباشته از تجربه‌هایی گرانبها، مطمئن و امیدوار، دارای تأثیر اساسی در منطقه و دارای منطق قوی در مسائل جهانی، رکورددار در شتاب پیشرفت‌های علمی، رکورددار در رسیدن به رتبه‌های بالا در دانش‌ها و فناوری‌های مهم از قبیل هسته‌ای و سلولهای بنیادی و نانو و هوافضا و امثال آن، سرآمد در گسترش خدمات اجتماعی، سرآمد در انگیزه‌های جهادی میان جوانان، سرآمد در جمعیت جوان کارآمد و بسی و ویژگی‌های افتخارآمیز دیگر که همگی محصول

انقلاب و نتیجه است. ایران مقتدر، امروز هم مانند آغاز انقلاب اسلامی با چالش‌های مستکبران روبه رو است اما با تفاوتی کاملاً معنی‌دار. آرمان‌های انقلاب اسلامی و اصول استقلال، عدالت‌طلبی و مقابله با سلطه‌گری: پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، حفظ استقلال سیاسی و اقتصادی ایران و مبارزه با هرگونه وابستگی به قدرت‌های بزرگ به یکی از محوری‌ترین اصول سیاست‌خارجی جمهوری اسلامی تبدیل شد. این رویکرد در گفتمان دیپلماسی اقتصادی ایران با تأکید بر همکاری‌های جنوب-جنوب، همگرایی منطقه‌ای و خروج از سیستم سلطه اقتصادی غرب تجلی یافت. پس از انقلاب اسلامی، گرایش به اتحاد با کشورهای مسلمان و همسایگان ایران به عنوان یک اولویت در سیاست‌خارجی مطرح شد. در این راستا، همکاری‌های اقتصادی با کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی و همچنین ایجاد اتحادیه‌هایی منطقه‌ای مانند ا.ک.و، بریکس و نیز اتحادیه اقتصادی اوراسیا شکل گرفته و در دستور کار قرار گرفت. همچنین پس از انقلاب اسلامی و به ویژه در دهه‌های اخیر، ایران با تحریم‌های اقتصادی گسترده از سوی ایالات متحده و متحدان غربی مواجه بوده است. در این شرایط، گفتمان دیپلماسی اقتصادی ایران بر یافتن مسیرهای جدید همکاری‌های اقتصادی و تجاری با کشورهای مستقل از نظام مالی و بانکی غرب تأکید داشته است. تلاش برای عضویت در اتحادیه اقتصادی اوراسیا و تقویت همکاری‌های اقتصادی با این منطقه در همین راستا قابل تفسیر است.

ایفای نقش فعال و مؤثر ایران در معادلات ژئوپلیتیکی منطقه و جهان اسلام یکی از اهداف سیاست‌خارجی جمهوری اسلامی است. در این چارچوب، تلاش برای ایجاد پیوندهای اقتصادی مستحکم با کشورهای همسایه مانند روسیه و سایر اعضای اتحادیه اوراسیا، به منظور افزایش نفوذ ایران در معادلات منطقه‌ای و جهانی درخور توجه است. توجه به دیپلماسی اقتصادی در دوره‌های مختلف دولت‌های جمهوری اسلامی ایران با تأکیدات و رویکردهای متفاوتی دنبال شده است:

- در دوره دولت‌های سازندگی و اصلاحات (دهه ۷۰ و ۸۰ شمسی)، گفتمان بر پایه بازسازی اقتصادی، عادی‌سازی روابط با جهان و جذب سرمایه‌گذاری خارجی متمرکز بود.

- در دوره دولت‌های (دهه ۸۰ و ۹۰ شمسی)، تأکید بر خودتکایی اقتصادی، مقاومت در برابر فشارهای اقتصادی غرب و تقویت همکاری‌های اقتصادی با کشورهای در حال توسعه و متحدان ایدئولوژیک بود.

- در دوره دولت‌های اعتدال و اصلاح‌طلبی (دهه ۹۰ و ۱۴۰۰) تلاش برای تعامل با جامعه بین‌المللی و حل مناقشات هسته‌ای همراه با حفظ اصول انقلاب اسلامی در دیپلماسی اقتصادی نمایان بود.

- در دوره دولت‌های اخیر (از سال ۱۴۰۰ به بعد)، بازگشت به رویکرد مقاومت اقتصادی، تقویت همکاری‌های منطقه‌ای و تلاش برای ورود به اتحادیه اقتصادی اوراسیا مشهود است. در مجموع، گفتمان انقلاب اسلامی در دیپلماسی اقتصادی ایران بر اصول استقلال، عدالت‌طلبی و مقاومت در برابر سلطه‌گری تأکید دارد و در دوره‌های مختلف با تأکیدات و رویکردهای سیاسی-اقتصادی متفاوتی در پیش گرفته شده است. تلاش برای همکاری‌های منطقه‌ای و عضویت در اتحادیه اقتصادی اوراسیا در این چارچوب قابل تفسیر است.

منابع

۱. احمدی، بابک. (۱۳۷۷). *معماری مدرنیته*. تهران: نشر مرکز.
۲. اخوی، احمد. (۱۳۹۳). *تجارت بین‌المللی، استراتژی بازرگانی و توسعه اقتصادی*. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
۳. باریز، جولیان. (۱۳۶۳). *اقتصاد ایران از ۱۲۷۹ تا ۱۳۴۹*. مرکز تحقیقات مؤسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی و سازمان برنامه و بودجه.
۴. برزگر، کیهان. (۱۴۰۰). «زنجیره اتصال منطقه‌ای»
<https://www.pishkhan.com/news/246339>
۵. برزگر، کیهان. (۱۴۰۲). «منطقه‌گرایی الگوی نوین جنبش‌های مقاومت»
<https://farhikhtegandaily.com/news/94507/>
۶. بزرگی، وحید. (۱۳۹۳). *دیپلماسی تجاری و ساختار نهادی آن، بررسی‌های بازرگانی*. تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

۷. بزرگی، وحید. (۱۴۰۳). *دیپلماسی تجاری از اهداف تا ابزارها*. تهران: نشرنی.
۸. بلاغی اینانلو، یاسر و دیگران. (۱۳۹۹). "تحلیل اثرات رفاهی آزادسازی تجاری با رویکرد الگوی تعادل عمومی محاسبه پذیر چند منطقه ای: مورد مطالعه ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا." *فصلنامه اقتصاد و الگوسازی*. دوره ۱۱، ش ۱.
۹. بلاغی اینانلو، یاسر. (۱۴۰۱). "منافع اقتصادی ایران از گسترش روابط تجاری با اتحادیه اوراسیا." *فصلنامه نظریه های کاربردی اقتصاد*. سال نهم، ش ۱.
۱۰. چتر جی، چارلز. (۱۴۰۱). *دیپلماسی اقتصادی و سیاست گذاری خارجی*. (ا)، عرب پور و همکاران. مترجم). تهران: نشر دانشگاه امام صادق (ع).
۱۱. خلیلی، رضا و دیگران. (۱۳۹۶). "نقش مجتمع های نظامی - صنعتی در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا." *پژوهش های روابط بین الملل*. دوره ۷، ش ۲۴.
۱۲. رزاقی، ابراهیم. (۱۳۵۸). *قراردادهای نفتی یا اسناد خیانت*. تهران: نشر روزبهان.
۱۳. سیف زاده، حسین. (۱۳۸۳). *جهان پس از یازده سپتامبر، استراتژی امپریالیسم در هزاره سوم*. تهران: نشر آگه.
۱۴. طالب پور، سمیه و دیگران. (۱۴۰۱). "نقش اتحادیه اقتصادی اوراسیا در توسعه تجارت خارجی ایران." *پژوهش های جغرافیای سیاسی*. دوره ۷، ش ۱.
۱۵. کولایی، إلهه؛ زنگنه، سمیه. (۱۴۰۱). «نقش کشورهای آسیای مرکزی در طرح اوراسیای بزرگ با توجه به نقش روسیه و چین.» *مطالعات روابط بین الملل*. دوره ۱۵، ش ۲.
۱۶. کریمی پور، داود و همکاران. (۱۴۰۲). *شناخت اقتصاد روسیه و فرصت های تعامل*. تهران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
۱۷. محمدخانی، علیرضا. (۱۳۸۳). "نظریه اعتقادی در روابط بین الملل." *مطالعات بین المللی*. ۱۳۸۳، ش ۲.
۱۸. مرادی حقیقی، فائزه و همکاران. (۱۴۰۲). «منطقه گرایی ایران با سازمان همکاری شانگهای در مقایسه با اتحادیه اقتصادی اوراسیا.» *مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل*. دوره ۶، ش ۱.

۱۹. مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۷۳). "کاربرد دیدگاه گرامشی در روابط بین‌الملل." فصلنامه راهبرد. ش ۵.
۲۰. ملکوتیان، مصطفی. (۱۳۸۰). "جایگاه ایران در امنیت ملی آمریکا قبل از انقلاب اسلامی." ماهنامه نگاه. ش ۱۲.
۲۱. ولی زاده، اکبر؛ علی زاده، شیوا. (۱۳۹۷). "واکاوی ریشه‌های تداوم در سیاست خارجی فدراسیون روسیه در دوره پوتین." *مطالعات اوراسیایی مرکزی*. دوره ۱۱، ش ۲.
۲۲. ویسی، هادی. (۱۴۰۰). "اتحادیه اوراسیایی و منطقه گرایی ایران." *مطالعات اوراسیایی مرکزی*. دوره ۱۴، ش ۱.
23. Courtney W. (2015). "Remarks on the Eurasian Economic Union." *Central Asia Economic papers*. No.12.
24. Khanna, Parag. (2016). *Connectography: Mapping the Future of Global Civilization*. Published by Random House.
25. Mankoff, J. (2011). *Russian Foreign Policy: The Return of Great Power Politics*. Maryland: Rowman and Littlefield Publishers, INC.
26. Mekhdiev, Elenur & Other. (2023). "Eurasian Economic Union – Iran Partnership on Bilateral and Multilateral Basis: Economic and Geopolitical Aspects." *Geopolitics Quarterly*. Volume: 19, No 2.
27. Tabac, M. (2016). "Regionalism and Economic Processes with Global Implications." *CSEI Working Paper Series, Center for Studies in European Integration (CSEI), Academy of Economic Studies of Moldova (ASEM)*. No. 1.
28. <https://www.irna.ir/news/85757871>